

گزارش خبری

مخزن ۸۵ درصد سالک‌ها در ایران
موش‌های صحرایی هستند

شرق: رئیس اداره کنترل بیماری‌های مشترک میان انسان و حیوان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با بیان اینکه ۸۵ درصد موارد سالک (لیشمانیوز پوستی) در ایران از نوعی است که موش‌های صحرایی مخزن آن هستند، گفت: البته این بیماری به‌طور درخور توجهی در کشور کاهش پیدا کرده و اکنون در ۱۹ استان کشور به‌طور آندمیک (بومی) است.

دکتر محمدرضا شیرزادی در گفت‌وگویی افزود: در ۱۵ سال اخیر موارد این بیماری در ایران به‌طور درخور توجهی کاهش پیدا کرده است، به‌طوری که در سال ۱۳۸۷ بالغ بر ۲۶ هزار مورد سالک با میزان بروز ۳۷ در هر صد هزار نفر در ایران ثبت و گزارش شده که این تعداد در سال گذشته به هشت‌هزارو ۷۵۲ مورد با میزان بروز ۱۰۴ در هر صد هزار نفر رسیده است.

او با بیان اینکه لیشمانیوز پوستی یا سالک یک بیماری انگلی و بومی ایران است که عامل آن گونه‌های لیشمانیا بوده و به وسیله پشه خاکی منتقل می‌شود، افزود: این بیماری معمولاً به صورت زخم پوستی ظاهر کرده و ممکن است تا بیش از یک سال طول بکشد و محل اسکار آن تا پایان عمر باقی می‌ماند.

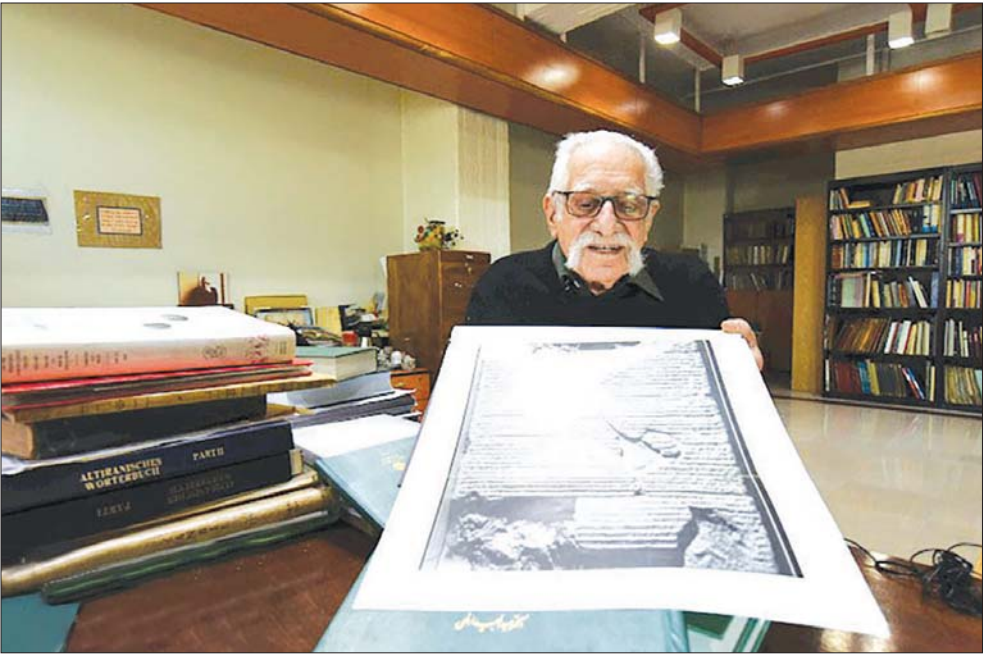
رئیس اداره کنترل بیماری‌های مشترک میان انسان و حیوان وزارت بهداشت با اشاره به اینکه لیشمانیوز پوستی (سالک) در ایران به دو شکل است، اظهار کرد: شکل اول، سالکی است که مخزن آن انسان است و به‌طور نادر سگ‌ها هم مبتلا می‌شوند که بیشتر در شهرهای مشهد، کرمان و بم شایع است.

او درباره دومین شکل سالک در ایران با مخزن موش‌های صحرایی گفت: این نوع سالک در استان‌های اصفهان، فارس، خوزستان، کرمان، گلستان، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، بوشهر، هرمزگان، سمنان، سیستان و بلوچستان، یزد، ایلام و مناطق دیگری شایع بوده و به صورت بیماری بومی آن مناطق است.

شیرزادی با بیان اینکه ۸۵ درصد موارد لیشمانیوز پوستی (سالک) در ایران از نوعی است که موش‌های صحرایی مخزن آن هستند، گفت: البته بیماری سالک همچنان در ۱۹ استان کشور آندمیک (بومی) است. انتقال بیماری بالقوه در ۱۵۰ شهرستان از استان‌های آلوده صورت می‌گیرد.

او با تاکید بر اینکه ساکنان در شهرستان‌های در معرض خطر و همچنین مسافران به این شهرها باید مراقب باشند که مورد گزش پشه خاکی قرار نگیرند، روش‌های پیشگیری از سالک را استفاده از پشه‌بند، توری و پرده بهداشتی (منافذ ریز و آغشته به حشره‌کش) به‌ویژه در هنگام غروب و در طول شب، نریختن زباله‌ها و نخاله‌های ساختمانی در اطراف منازل، استفاده از لباس‌های کاملاً پوشیده با آستین‌های بلند و شلوار بلند به‌ویژه هنگام غروب و در طول شب عنوان کرد.

رئیس اداره کنترل بیماری‌های مشترک میان انسان و حیوان وزارت بهداشت در ادامه این موارد را چنین توضیح داد: استفاده از بدهامدای دورکننده حشرات به‌ویژه در هنگام غروب و در طول شب، نرفتن به مناطق آلوده در هنگام غروب و در طی شب، نگهداری نکردن دام‌ها در نزدیکی محل سکونت، مراجعه به مراکز بهداشتی در صورت بروز هر ضایعه مشکوک (هر ضایعه که بیش از ۱۰ روز طول کشیده باشد) به‌ویژه اگر سابقه مسافرت وجود داشته باشد.



محمد امیرحسین غبذپوری نماینده سازمان بهداشت جهانی

درباره گل‌نشته‌های هخامنشی

ابلیامحمدی‌نیا

فعال فرهنگی

زیدیکان‌شان شد، به دادگاهی در آمریکا شکایت برده و با این ادعا که دولت ایران حامی مالی بمب‌گذاران است، درخواست گرامتی به مبلغ ۷۳۰۵ میلیون دلار می‌کند. وکلای این دو خانواده در لایحه ارائه‌شده به دادگاه خواستار فروش گل‌نشته‌های در اختیار دانشگاه شیکاگو در یک حراجی و تامین غرامت خسارت ناشی از بمب‌گذاری شدند.

دادگاه از طریق مجاری سیاسی به دولت ایران اطلاع می‌دهد. در اینجا دولت ایران اعلام می‌کند نه دادگاه و نه دادخواست را قبول ندارد، در نتیجه وکیلی هم برای دفاع نمی‌فرستد.

دادگاه در نهایت به نفع خانواده‌های یهودی حکم صادر می‌کند که با اعتراض مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو رای دادگاه نخصت، در دادگاه دوم نقض می‌شود. از این مرحله دولت ایران وکلای خود را برای دفاع از حق ایران معرفی می‌کند. این کش‌وقوس تا چهار دادگاه ادامه می‌یابد و در این مرحله از سوی دولت ایران، دکتر عبدالمجید ارفعی به عنوان نماینده و شاهد در دادگاه حاضر می‌شود. ایشان در یک روز در دو نوبت سه‌ساعته به پرسش‌های قاضی دادگاه فدرال در شهر شیکاگو پاسخ داده و استدلال می‌کند گل‌نشته‌ها جزء میراث فرهنگی مردم ایران بوده و جزء اموال دولت نیست، در نتیجه غیرقابل فروش و قیمت‌گذاری هستند. دادگاه چهارم با پذیرش این استدلال، رای را به نفع ایران صادر می‌کند. با اعتراض مجدد وکلای خانواده‌های یهودی پرونده برای صدور رای نهایی به دیوان عالی آمریکا به عنوان بالاترین مرجع قضائی ارجاع داده می‌شود. دیوان عالی کشور آمریکا شامل ۹ قاضی عالی‌رتبه است که رای آنها غیرقابل نقض و تغییر است.

در نهایت دیوان عالی آمریکا با حضور هشت قاضی از ۹ قاضی خود، در دوم اسفند ۱۳۹۶ (۲۱ فوریه ۲۰۱۸) با استناد به گفته‌های دکتر ارفعی مبنی بر اینکه گل‌نشته‌ها جزء میراث فرهنگی مردم ایران است، رای خود را به نفع ایران صادر می‌کند.

با این‌همه، هنوز تمامی الواح به ایران بازنگشته است. باین‌حال، با هر حضور رئیس‌جمهورهای وقت ایران در جلسات سالانه سازمان ملل، در خبرها و رسانه‌ها می‌خوانیم که بخشی از الواح و گل‌نشته‌ها هخامنشی با عنوان رهاورد رئیس‌جمهوری در نتیجه رایزنی‌های فشرده وزارت امور خارجه، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و معاونت حقوقی رئیس‌جمهوری با مؤسسه شرقی شیکاگو به ایران بازگشته است.

اما چند پرسش ساده: نخست آنکه با وجود خدمات ارزشمند دکتر ارفعی، چه آن زمان که پس از سال‌ها فراموشی متولیان امر با یک هفته تحقیق در اسناد بایگانی سازمان میراث فرهنگی به رئیس سازمان میراث فرهنگی ثابت کردند که قسمت اعظم گل‌نشته‌های هخامنشی در دست دانشگاه شیکاگو است و هنوز به ایران بازنگشته و در نهایت از یک غفلت بزرگ پرده برداشت و چه آن زمان که در چهارمین دادگاه حضور یافت و استدلال هوشمندانه او برای غیرقابل فروش بودن الواح کلی هخامنشی به این دلیل که جزء میراث فرهنگی و ملی ایران است و باعث صدور رای نهایی به نفع ایران شد، چرا در تمامی این سال‌ها نامی از ایشان به میان نمی‌آید؟ چرا همه این توفیق‌های در بازگرداندن قطره‌چکانی گل‌نشته‌ها پای «رهاورد رئیس‌جمهوری در نتیجه رایزنی‌های فشرده وزارت امور خارجه، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و معاونت حقوقی رئیس‌جمهوری با بنیاد شرق‌شناسی شیکاگو» نوشته می‌شود؟

دوم آنکه، مگر حکم دیوان عالی کشور آمریکا، به عنوان بالاترین مرجع قضائی فصل‌الخطاب نیست؟ چرا مفاد قرارداد فی‌مابین دولت وقت ایران در سال ۱۳۱۳ با مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو برای بازگرداندن الواح خشتی هنوز عملیاتی نشده است؟ ما باید هر سال شاهد دیپلماسی فشرده و شگفت دولت‌مردان با رؤسای مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو باشیم که شاید لطف کنند و چند قطعه از میراث کهن ما را عودت دهند؟ این در حالی است که اساساً دانشگاه شیکاگو هرساله چند عدد از گل‌نشته‌ها را به حافظ منافع ایران در آمریکا تحویل می‌دهد، بی‌آنکه بدانیم که چند عدد از مجموعه ۳۰ هزار لوح گلی در اختیار آنها مانده است.

به نظر می‌رسد دیپلماسی اصلی زمانی در این مورد صدق خواهد کرد که با طرح شکایتی در محاکم بین‌المللی خواستار تمام گل‌نشته‌ها به صورت یک‌جا شده و از طرفی خواستار دریافت تمام پژوهش‌ها و عکس‌ها و تحقیقات انجام‌شده توسط مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو شویم.

در آخر به‌راستی بعد از این نمایش باشکوه گل‌نشته‌ها چه‌کسی قرار است آن را ترجمه کند؟ آیا فکری برای این امر کرده‌اید؟

به پیشنهاد مؤسسه شرقی شیکاگو و ارنست هرتسفلد، از آنجایی که سواد و توان خواندن الواح در آن سال‌ها در ایران وجود نداشت، قرار می‌شود با موافقت دولت وقت ایران این گل‌نشته‌ها برای رمزگشایی و خواندن به صورت امانت در اختیار مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو قرار گیرد. برای حفظ و سالم‌ماندن، نخست گل‌نشته‌ها را در پارافین مایع قرار دادند و سپس قطعه‌های به نسبت بزرگ‌تر و سالم‌تر را درون دوهرزرو ۳۵۳ جعبه مقوایی گذاشتند. هر جعبه دارای شماره ترتیبی بود و بر هر یک از آنها تعداد قطعه‌های درون جعبه را نوشته بودند. قطعه‌های بسیار خرد نیز درون بیت نفتی خالی جای داده شدند. پس از بسته‌بندی، کلیه گل‌نشته‌ها را در ۵۰ صندوق چوبین در سال ۱۳۱۴ (۱۹۳۵) از راه بوشهر به آمریکا فرستادند.

در سال ۱۳۱۶ گل‌نشته‌ها به آمریکا رسید. پس از پارافین‌زدایی، گل‌نشته‌ها برای رمزگشایی در اختیار آرنو پوبل (Arno Poebel)، سومرشناس بزرگ گذاشته شد. ایشان همراه سه نفر از همکاران جوان خود به نام‌های دکتر جورج کامرون (George Cameron)، دکتر ریچارد هَلُک (Richard Halloek) و پییر پورو (Pierre Purves) کار بررسی و رمزگشایی این گل‌نشته‌ها را آغاز کردند. آنان دریافتند تعداد اندکی از گل‌نشته‌ها به خط آرامی و با مرکب و سه عدد به فریژی و بابلی نوشته شده‌اند. بقیه گل‌نشته‌ها به زبان نه‌چندان شناخته‌شده ایلامی نوشته شده بودند (در سال ۲۰۰۷ میلادی یک گل‌نشته به خط و زبان فارسی باستان نیز در این مجموعه یافت شد). بررسی‌های نخستین نشان داد که زبان بیشتر این گل‌نشته‌ها ایلامی است، همراه تعدادی (حدود ۴۵۰ قطعه) به خط و زبان آرامی یا به تمامی آرامی یا اینکه روی گل‌نشته‌های ایلامی با مرکب خط آرامی حاشیه‌نویسی شده است.

تا سال ۱۳۳۱ قطعات زیادی از گل‌نشته‌های خردشده و ناخوانا به ایران بازگردانده شد. همین حجم آثار بازگردانده شده باعث شد این گمان تقویت شود که کوپی تمامی آثار تحویل ایران داده شده است. هرچند نباید فراموش کرد که التهابات سیاسی آن سال‌ها در عدم دقت نظر در آثار بازگشته به میهن بسیار تأثیرگذار بود.

پس از پیروزی انقلاب و شروع جنگ، همین امر نیز منجر به آن شد که عملاً مسئله الواح به دست فراموشی سپرده و از اولویت‌ها اصلی خارج شود.

تا اینکه پس از سال‌ها فراموشی نسبت به این گنجینه ارزشمند، دکتر عبدالمجید ارفعی که خود دانش‌آموخته زبان‌های باستانی از دانشگاه شیکاگو بود، در مراجعه به رئیس وقت سازمان میراث فرهنگی اعلام کرد بخش عمده‌ای از گل‌نشته‌ها که نزدیک به ۵۰ صندوق است به ایران بازنگشته و فقط سه صندوق در این سال‌ها عودت داده شده است.

رئیس وقت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با استناد به مدارک موجود اعلام می‌کند کلیه الواح گلی تحویل داده شده است. دکتر ارفعی با همراهی سه نفر از شاگردان خود به مدت یک هفته به تحقیق و تفحص در اسناد و مدارک بایگانی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری پرداختند تا در نهایت با ادله و اسناد متقن ارائه‌شده توسط دکتر ارفعی، سازمان میراث فرهنگی می‌پذیرد که بخش عمده‌ای از الواح و گل‌نشته‌ها در اختیار بخش شرقی دانشگاه شیکاگو است.

به دستور رئیس وقت سازمان میراث فرهنگی قرار می‌شود دکتر ارفعی برای بازگرداندن الواح به آمریکا سفر کند که با کارشکنی برخی زیردستان او، این امر محقق نمی‌شود.

در همین احوال، دو خانواده یهودی ساکن آمریکا برای بمب‌گذاری در بیت‌المقدس در سال ۱۹۹۷ به منجر به کشته و زخمی شدن

وقتی وزیر وقت معارف ایران «علی‌اصغر حکمت» در ۱۷ نوامبر ۱۹۳۴ (شنبه ۲۶ آبان ۱۳۱۳) پای موافقت‌نامه‌ای را با رئیس مؤسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو «جیمز هنری بریسنده» امضا کرد که بر مبنای آن آثار کشف‌شده در تخت جمشید برای کشف رمز گل‌نشته‌ها به دانشگاه شیکاگو ارسال شود و بر مبنای همین توافق پس از پایان پژوهش مجدداً با هزینه مؤسسه شرق‌شناسی به ایران عودت داده شود، شاید هیچ‌گاه به مخپله‌اش خنور نمی‌کرد که بیش از ۸۰ سال از این توافق‌نامه بگذرد و هنوز تمامی گل‌نشته‌ها به سرزمین مادری خود بازنگردند.

در روزگاری که گرایش به ملی‌گرایی و علاقه‌مندی به باستان‌شناسی یکباره رونقی چشمگیر یافت، با نظر دولت وقت و با حمایت مالی مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو، گروه باستان‌شناسی آلمانی به سرپرستی ارنست هرتسفلد به خاک‌برداری از محوطه تخت جمشید اقدام می‌کنند که نتیجه آن در نوبت نخست کشف ۳۰ هزار و در بار دوم، ۷۵۰ گل‌نشته به ابعاد مهر نماز و کمی بزرگ‌تر، سالم و ناسالم، کامل و ناقص نوشته و نانوشته‌ای بود که در حداقل سال‌های ۱۳۱۲-۱۳۱۳ و ۱۳۱۵ هنگام حفاری‌های تخت جمشید از سوی مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو به دست آمدند.

قطره قطره جمع گردد
وانگهی درمان شود!

همین الان
منو اسکن کن

۲۳۵۴۰ - ۰۲۱ - ۵



محک
مؤسسه خیریه حمایت از
کودکان مبتلا به سرطان
mahak-charity.org

خبر

ابتلای بیش از ۷هزار نفر
به سل در ۱۴۰۲

ایسنا: مدیر‌کشوری برنامه کنترل سل و جدام مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی با اشاره به وضعیت بیماری سل در کشور، بر درمان‌پذیربودن این بیماری تاکید کرد.

دکتر مهشید ناصحی با بیان اینکه سل یک بیماری عفونی واگیردار است گفت: باکتری این بیماری می‌تواند به هر قسمت از بدن مانند ریه‌ها، مغز، مفاصل، کلیه، استخوان‌ها، پوست، دستگاه گوارش، دستگاه تناسلی و سایر قسمت‌های دیگر بدن حمله و آن عضو را درگیر بیماری کند. اما از آنجایی که بسیار آکسژن‌دوست است، در ۸۰ تا ۸۵ درصد موارد ابتلا به این بیماری، ریه‌ها را مورد حمله قرار می‌دهد.

عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران با بیان اینکه افراد مبتلا به سل ریهی «عفونت‌ز» هستند، تصریح کرد: تمام انواع بیماری سل قابلیت سرایت به دیگران را ندارند. بیمارانی که به سل ریهی یا سل حنجره مبتلا شده‌اند، عفونت‌زا محسوب می‌شوند؛ چراکه می‌توانند با هر سرفه قطرات تنفسی آلوده به میکروب را در هوا پخش کرده و در نتیجه بیماری را به دیگران منتقل کنند.

مدیر کشوری برنامه کنترل سل و جدام مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت درباره احتمال ابتلا به بیماری سل توضیح داد: بررسی‌ها بیانگر این است که به‌طور معمول یک نفر از هر ۱۰ نفری که میکروب سل وارد بدن‌شان می‌شود به این بیماری مبتلا می‌شود. درواقع ابتلا به بیماری سل به ضعف سیستم دفاعی بدن وابسته است. ضعف سیستم دفاعی بدن به دنبال آن فعالیت و تکثیر میکروب بیماری سل می‌تواند سبب ابتلای یک فرد به این بیماری شود.

او با بیان اینکه تمام افراد از پتانسیل ابتلا به بیماری سل برخوردار هستند، خاطر نشان کرد: کودکان، سالمندان، افراد مبتلا به دیابت، نارسایی کلیوی، ایدز، سوءتغذیه، سرطان‌ها و افراد مصرف‌کننده داروهای سرکوبگر سیستم ایمنی، نسبت به سایر افراد در معرض خطر بیشتری برای ابتلا به سل قرار دارند.

مدیر کشوری برنامه کنترل سل و جدام مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت با بیان اینکه سل یک بیماری قابل درمان است، افزود: سل یک بیماری درمان‌پذیر است. اگر فرد مبتلا به سل به‌طور کامل و منظم داروهای تجویزی را مصرف کند، بهبودی کامل خود را به دست می‌آورد. طول مدت درمان بیماری سل حدود شش ماه است و بیمار باید داروهای خود را طی این مدت به‌طور کامل و دقیق مصرف کند. حتی اگر بیمار قبل از اتمام این مدت احساس بهبودی کرده باشد، به‌هیچ‌وجه نباید دوره درمانی را خودسرانه قطع کند. او دربارہ بروز شرایط خطرناک به دلیل مصرف‌نکردن داروها و عدم تکمیل درمان گفت: اگر بیمار داروهای تجویزی را به‌طور کامل و دقیق مصرف نکند، میکروب‌های سل می‌تواند به ازمیکروب‌های مقاوم به درمان و خطرناک تبدیل شود و در این صورت بیمار دیگر قابل درمان با داروهای رایج سل نخواهد بود و اطرافیان خود را نیز به میکروب مقاوم به درمان آلوده و مبتلا می‌کند.

مدیر کشوری برنامه کنترل سل و جدام مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت درباره میزان ابتلا به بیماری سل گفت: بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت، میزان بروز سالانه سل در کشور ۱۱ مورد به ازای صد هزار نفر جمعیت است. مواجهه با آمار مربوط به بیماری سل بیانگر دو نکته است: نخست اینکه ایران در مقایسه با کشورهای همسایه خود توانسته است علیه سل عملکرد بهتری داشته باشد. نکته دوم این است که دستاوردهای نظام بهداشتی کشور در زمینه کنترل سل به‌راحتی می‌تواند تحت تأثیر کشورهای همسایه قرار گیرد.

به‌طور مثال، بررسی‌ها بیانگر این است که ۲۵۸ مورد به ازای صد هزار نفر در کشور افغانستان ۱۸۵ مورد به ازای صد هزار نفر جمعیت در سال است. سال ۱۴۰۲، هفت‌هزارو ۲۶۱ نفر به بیماری سل مبتلا شدند که از این تعداد ۴۴ درصد را زنان و ۲۵ درصد را بیماران غیرایرانی تشکیل می‌دادند.